

نگاه **زکبه عاقلی؛** تاریخ پژوه

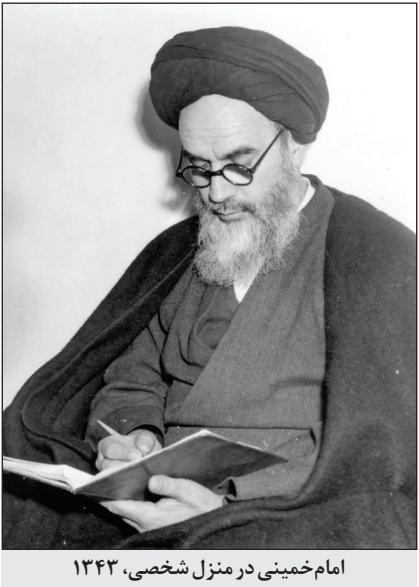
نظری بر «کشف‌الاسرار»

اثری از رهبر کبیر انقلاب اسلامی

## منتظر امام عارفان به «استخاره»

بعد از شهریور ۱۳۲۰ش و اشغال ایران به وسیله قوای متفقین و تبعید رضاخان به جزیره موریس توسط انگلیسی‌ها، دوره‌ای ت هرج و مرج و فقر و محطی برای ایرانیان آغاز شد. در آن دوره و علاوه بر آن فقر و محطی، نوعی آشفته بازار فرهنگی و عقیدتی نیز به وسیله نویسندگان فاسدالعقیده‌ای چون احمد کسروی، علی اکبر حکمی‌زاده و… نیز به‌وجود آمد که آثار قلمی ضداسلام، ضدتفکر شیعه و ضدروحانیت می‌نوشتند و عقاید و باورهای مردم را نشانه گرفته بودند.

در آن شرایط امام خمینی –که در آن مقطع از فضلا و مدرسین نامور حوزه علمیه قم بود- هنگامی اوضاع را اینگونه دیدند، نزدیک به ۴۰روز در خانه نشستند و کتابی نوشتند به نام «کشف‌الاسرار» که در سال ۱۳۲۳ش چاپ شد و در آن به تمام ایرادها و تهمت‌ها پاسخ گفتند. امام در کشف الاسرار، ضمن پاسخگویی به شبهاتی که امثال حکمی‌زاده به عقاید شیعه وارد کرده بودند، هم آیین وهابیت را نقد کرده و هم برای نخستین بار در آثار مکتوب‌شان، به بهابیت و جولان دادن ایشان در فضای سیاسی و فرهنگی کشور اعتراض کردند. اما شاید بتوان گفت یکی از جالب‌ترین مباحث فرهنگی کشف‌الاسرار، نگاه امام به مسئله «استخاره» و نقد رفتار برخی تفکرات عوامانه نسبت به استخاره‌گرفتن، در موقع تصمیم‌گیری‌ها است: «برای استخاره دو معنا است: یکی از آنها، معنای حقیقی استخاره است [یعنی استخاره مطلق] و در اخبار و روایات ما (وسایل‌الشیعه، باب صلاه استخاره) از آن بیشتر نام برده شده و پیش خواص، متعارف است و آن، طلب خیر کردن از خداست. این نوع از استخاره، در تمام کارهایی که انسان می‌کند، خوب و مستحب است. همچنین این نوع استخاره، یکی از رشته‌های دعاست که خداوند متعال در قرآن، به آن اهمیت شایانی داده است، حتی در سوره فرقان آیه ۷۷می‌فرماید: «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا». خلاصه کلام آنکه این قسم از استخاره – که اخبار، بیشتر در اطراف و ادب آن دستور دادند – صرف دعا و از خدا طلب خیر کنر است. شاید یاوسرانیان و طعن‌زنندگان به استخاره، این طور، استخاره را ندیده یا نشنیده باشند، چون پیش علمه مردم به‌عنوان استخاره، معروف نیست تا به گوش مثل اینها برسد.



امام خمینی در منزل شخصی، ۱۳۴۳

**در آشفته بازار پس از شهریور ۱۳۲۰ امام خمینی نزدیک به ۴۰روز درس خویش را تعطیل کردند و کتابی به نام «کشف‌الاسرار» نگاشتند که در سال ۱۳۲۳ش، منتشر شد. ایشان در این اثر، ضمن پاسخگویی به شبهاتی که درباره عقاید شیعه مطرح می‌شد، برای نخستین بار در آثار مکتوب‌شان، به بهابیت و جولان دادن ایشان در فضای سیاسی و فرهنگی کشور اعتراض کردند**

یک معنای استخاره آن است که پس از آنکه انسان به کلی در امری متحیر و وامانده‌شد، به‌طوری‌که نه عقل، او را به خوبی و بدی آن، راهنمایی کرد و نه عاقل دیگری، راه خیر و شر را به او فهماند و نه خدای جهان دربارهٔ آن کار، تکلیفی و فرمانی داشت که راهنمای او باشد… ایجاد‌ینداران می‌گویند: خدای عالم که پناه بیچارگان و دادرس افتادگان است، در حالت تحیر و دودلی – که در آن حال، انسان بیشتر از همه حالات محتاج به دستگیری است – خداوند متعال از عالم رافت و رحمت و مهربانی‌اش، یک راه امید روی انسان باز کرده… در این صورت، خدای جهان – که قادر بر پیدا و نپایان است – یا دل او را به یک سو می‌کشداند و راهنمای قلب او می‌شود [در استخاره قلبی] آن که او مقابل‌القلوب است، یا دست او را به یک طرف تسبیح می‌اندازد آدر هنگام استخاره با تسبیح، یا به وسیله قرآن دل او را گرم می‌کند آدر استخاره با قرآن…»(کشف‌الاسرار، صص ۹۱ و ۹۲)

اما امام‌خمینی(ره) بعد از بیان این دو رویکرد درباره استخاره، تعریف اول را برمی‌گزینند و با اشاره به آیه ۴سوره نمل، می‌فرمایند که عقل و رجوع به پروردگار عالم، انسان را برای گرفتن تصمیم صحیح کلیات می‌کند:

«ما برای این امر روشن و ساده که عقل هر خردمندی به آن ایمان دارد و هر کس کوچک‌ترین ایمانی به خدای جهان داشته‌باشد، در قبول آن ناگزیر است، خود را نیازمند به‌دلیل دیگری جز راهنمایی عقل نمی‌دانیم… این هم ناگفته‌نماند، اخباری که در درباره استخاره است، وعده نکرده‌اند که همیشه شما را ای‌کم و کاست به مقصود برسانند بلکه آنچه وعده شده‌ای است که خدای عالم، به کسی که از او خیر بخواهد، خیر می‌دهد، اگر در این جهان، صلاح باشد اینجا می‌دهد و گرنه برای او ذخیره می‌کند…».(کشف‌الاسرار، ص ۹۳)

### گزارش

**انوشه‌میرمعشری**

روزنامه‌نگار

نام‌های «صدیقه» خانم، همسر آیت‌الله شهاب‌الدین اشراقی، «فریده» خانم، همسر محمدحسین اعرابی و «فهیمة»- زهرا- خانم همسر دکتر محمود پرورجدی و آپسر است به نام‌های «مصطفی» که همسرش مصومه حائری – نوه آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی – و «احمد» که همسرش فاطمه طباطبائی -فرزند آیت‌الله سیدمحمدباقر سلطانی طباطبائی – است. البته امام فرزند پسر دیگری نیز داشتند که در ایام کودکی بر اثر بیماری درگذشت. علاقه امام به همسر، فرزندان و نوه‌ها یشان، پس عمیق و لطیف است. در کنار این علاقه و محبت اما نگاه تربیتی امام جایگاهی ویژه دارد و آن را بیش از هر چیز، شاید بتوان در میان نامه‌هایی دید که برای خانواده خویش می‌نگاشتند؛ نامه‌های سرشار از عاطفه پدری، دلسوزانه و در عین حال آکنده از حکمت و درس. در مقال ذیل، در مضامین برخی از این نامه‌ها، در نگ کرده‌ایم. امید آید، آنکه مفید آید.

**از شماها بی اطلاع و قدری نگران هستم!**

صبحه‌امام خمینی(ره) علاوه بر سخنرانی‌ها، پیام‌ها و اطلاعیه‌های رسمی، حاوی نامه‌های خانوادگی ایشان هم هست؛ نامه‌هایی که با مطالعه آن، می‌توان جنبه دیگری از شخصیت ذوابعدان آن پیر روشن ضمیر را شناخت و درک کرد. یکی از این ابعاد، شخصیت پدرانه و شدیداً عاطفی ایشان قلمداد می‌شود که لازم است بیشتر مورد‌کنکاش قرار گیرد. رهبر انقلاب پس تبعید به ترکیه همراه با فرزندان حاج آقا مصطفی، در نامه‌ای به تاریخ ۴ فروردین ۱۳۴۴ ش، دلتنگی و نگرانی‌شان از بی‌خبری از احوال خانواده از خطاب به همسرشان اینگونه بیان می‌کنند:

«خدمت مخدره محترمه والده مصطفی –ایهاالله و صبرها – سلام می‌رساند. ان‌شاءالله تعالی شماها به سلامت و سعادت به سر برید. اینجانب بحمدالله تعالی سالم هستم. هیچ نگرانی نداشتنه باشید. خداوند تعالی آنچه قدرش فرموده است، صلاح حق و واقع خواهد شد. غمی ان تک‌خواه شئیباً و هُوَ خَیْرَ لَکُم. مصطفی هم بحمدالله سلامت است، جای هیچ نگرانی نیست. فقط از اینکه از شماها بی‌اطلاع، قدری نگران هستم. همه را به خدای تبارک و تعالی می‌سپارم. تمام بچه‌ها و متعلقین آنها را سلام می‌رسانم. اگر این کاغذ رسید، جواب زود تر بنویسید و بفرستید خدمت حضرت حجت‌الاسلام آقای حاج آقا فضل‌الله خوانساری، شاید ایشان بتوانند به وسیله‌ای بفرستند. اگر جواب نداشتید، تمام بچه‌ها به خط خودشان یکی – دو کلمه بنویسند. به متعلقه مصطفی سلام برسانید. ایشان هم دو کلمه بنویسند. به حضرتین آقایان اخوان سلام برسانید. روح‌الله الموسوی الهمینی». (صحیفه امام، ج ۱، ص ۴۳۷)

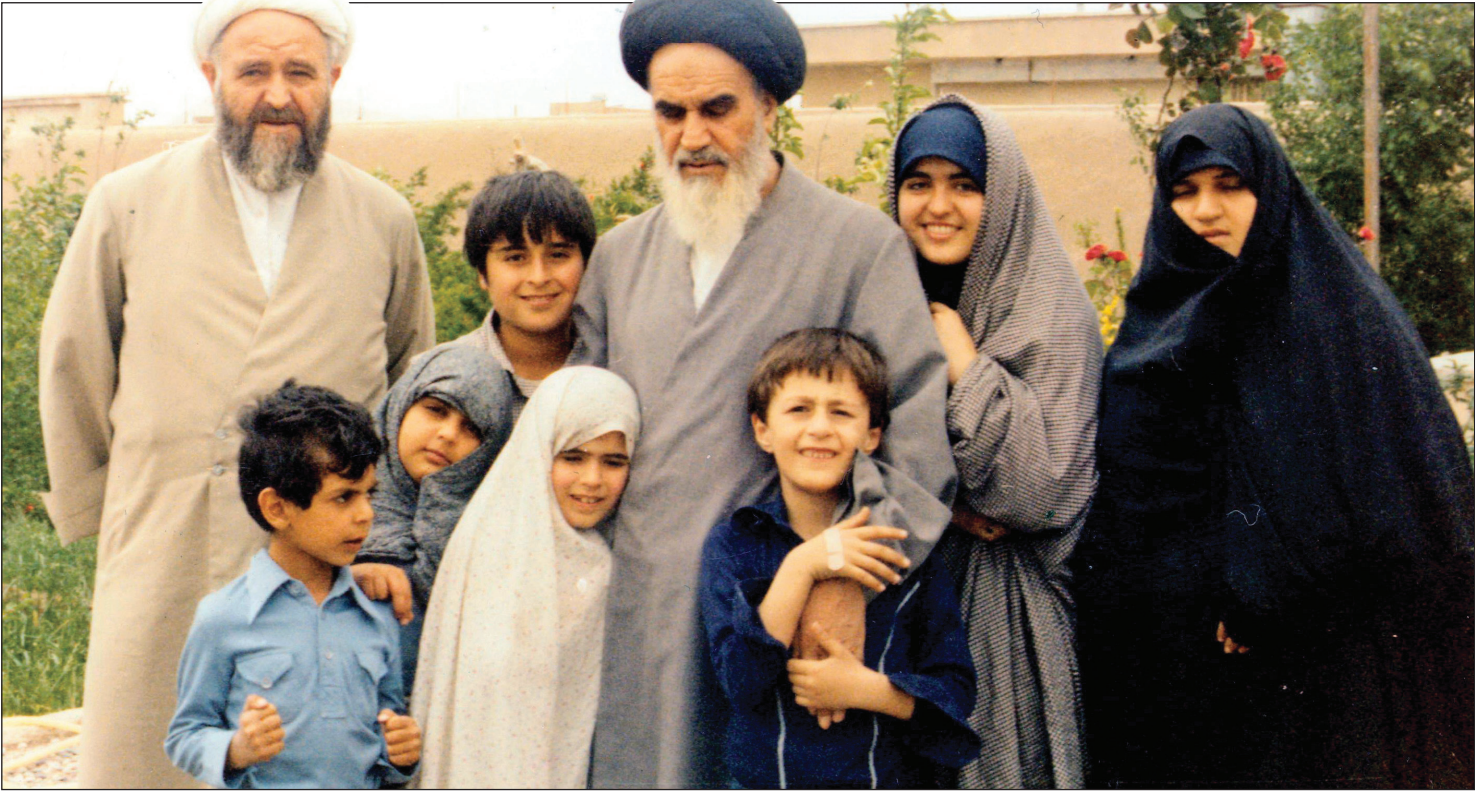
**مواقف اختلاف‌افکنی دشمنان باشد**

در تاریخ ۲۲بهمن ۱۳۴۹ ش، امام‌خمینی(ره) نامه‌ای به پسر کوچک‌تر خود مرحوم حاج سیداحمد خمینی می‌نویسند و در آن به ایشان هشدار می‌دهند که مراقب برخی از اشخاص که به‌دنبال اختلاف افکنی میان یاران مبارز هستند، باشند. حاج احمد آقا بعدها برای ساختن بود اما بعد از پیروزی انقلاب و دسترسی به اسناد ساواک، آشکار شد که در قم و نجف، افرادی مرتبط با ساواک، مشخصاً برای این کار مأموریت داشته‌اند و این نامه امام، حاکی از دقت و تیزبینی ایشان است:

«حمد عزیز، ان‌شاءالله با سلامت و سعادت قرین باشید. مدتی است از مرقومات شما احساس می‌کنم که شما به‌طور ناآگاه متحرک شده‌اید، که به‌اصطلاح خودتان وکیل تهران را محدود یا معذور دارید. حتی مرقومات شما، از اینجانب هم تجاوز کرده و به کس دیگر هم نوشته‌اید و تحریک آمیز بوده است. و سپس من توجه دارم و تجربه به‌کردادم، تجربه ندارید و اشخاص را آن نحو که می‌شناسم، نمی‌شناسید و اغراض مختلفه را نمی‌توانید به این زودی تشخیص دهید…»

مرقوم مورخ سهه بهمن الان نامه‌ی اول شد، که باز راجع به فقیهه آقای آشتیانی مرقوم شده بود. باز از لحن

## تاریخ



# کسانی که به من مربوط هستند در کوران‌های سیاسی وارد نشوند

گذری بر پندهای اخلاقی و سیاسی امام خمینی <sup>۱</sup>، به فرزندان و نوادگانش

امام خمینی (ره)، رهبر کبیر انقلاب اسلامی در

سال ۱۳۰۷ش، با بانو خدیجه تقفی (معروف به قدس ایران) ازدواج کردند و ثمره این ازدواج ۳۳ختر به

نام‌های «صدیقه» خانم، همسر آیت‌الله شهاب‌الدین اشراقی، «فریده» خانم، همسر محمدحسین اعرابی و «فهیمة»- زهرا- خانم همسر دکتر محمود پرورجدی و آپسر است به نام‌های «مصطفی» که همسرش مصومه حائری – نوه آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی – و «احمد» که همسرش فاطمه طباطبائی -فرزند آیت‌الله سیدمحمدباقر سلطانی طباطبائی – است. البته امام فرزند پسر دیگری نیز داشتند که در ایام کودکی بر اثر بیماری درگذشت. علاقه امام به همسر، فرزندان و نوه‌ها یشان، پس عمیق و لطیف است. در کنار این علاقه و محبت اما نگاه تربیتی امام جایگاهی ویژه دارد و آن را بیش از هر چیز، شاید بتوان در میان نامه‌هایی دید که برای خانواده خویش می‌نگاشتند؛ نامه‌های سرشار از عاطفه پدری، دلسوزانه و در عین حال آکنده از حکمت و درس. در مقال ذیل، در مضامین برخی از این نامه‌ها، در نگ کرده‌ایم. امید آید، آنکه مفید آید.

تند شما معلوم می‌شود، زیاد تحریک شده‌اید. شما بدانید که وکیل تهران من، خلاف صلاح من نمی‌کند. از ایشان استفسار نمودام و منتظر جواب هستم. اما آمدن ایشان به قم، به خلاف صلاح نبود. شما گاهی می‌گویید که عدم‌ذخالت اصحاب شما صحیح نیست و گاهی می‌گویید دخالت آن آقا صحیح نیست، اما اشخاصی که می‌خواهند آقای آشتیانی را برنجاند، نمی‌شود سساکت کرد و من هم اهل اینکه هر روز به اشخاص کاغذ بنویسم و رفع نگرانی بکنم، نیست. شهریه می‌قم، وجود و عدمش اهمیت ندارد و من نمی‌خواهم از آن کسب آبرو بکنم و شما هم از این معانی نگران نباشید و ملتفت باشید با دست شما و طرف مکاتبه شما. یک وقت دوستان صمیمی من از من بترسند. اشخاصی که به شما مطالبی می‌گویند، درست دقت کنید که با وساطتی ممکن است تحریک شده و بخواهند با دست خودتان، مقاصد خودشان را انجام دهند. از قرآلعین عزیزم امیدوارم که از تصاح من رنجیده‌خاطر نشود. والسلام علیک». (صحیفه امام، جلد ۲، صص ۳۳۳ تا۳۳۴)

**صلح و صفا، از نعمت‌های بزرگ الهی است که شاید عوض نداشته باشد**

امام‌خمینی(ره) حتی در دوران به سربردن در تبعید، از مناسبات مثبت و صلح‌آمیز خانواده خویش غافل نبودند و نسبت بدان واکنش‌هایی نشان می‌دادند. به‌عنوان نمونه در نامه به دخترشان، چنین آورده‌اند:

«ختر عزیزم! فهیمة خانم!، دپروز دو نامه از شما اصل، یکی تاریخ ۱۳ و دیگری تاریخ ۲۲شهر رمضان، از سلامت شما بسیار خوشوقت شدم. از خداوند متعال خواستارم، که همیشه خودتان و هر کس به شما بستگی دار، سلامت و سعادت‌مندباشند. از خیر آقای اعرابی و آقای اشراقی خوشوقت شدم. معلوم می‌شود اسسال، ان‌شاءالله سال آشتی‌کنان است [!] چون از قرار معلوم، خازنچون اختم خازن‌الملوک، مادر همسر امام آ هم با آقای آقا بزرگ آشتی کردند. از آن هم خوشوقت شدم. امیداست آقای عمو هم با خانم‌شان صلح کنند. صلح و صفا، از نعمت‌های بزرگ الهی است که شاید عوض نداشته باشد. امیداست آقای اشراقی بااین جانب هم صلح کنند، که موجب راحتی روح من در این آخر عمر شود… والسلام علیک. بدرت ۱۲۳ابان ۱۳۵۱». (صحیفه، جلد ۲، ص ۴۶۷)

**به شما امر شرعی می‌کنم که در این بازی‌های سیاسی وارد نشوی!**

حدود یک‌سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بناشد تا نخستین انتخابات ریاست‌جمهوری برگزار شود. در آن مقطع، اشخاص زیادی برای این انتخابات کاندیدا شده بودند. البته رقابت اصلی میان کاندیدای حزب جمهوری اسلامی (ابتدا جلال‌الدین فارسی و سپس حسن حبیبی) باابوالحسن بنی‌صدر برقرار بود. در آن مقطع برخی از افراد خانواده امام خمینی(ره)، در زمره حامیان بنی‌صدر بودند، از جمله سیدحسین خمینی، فرزند آیت‌الله سیدمصطفی خمینی. متأسفانه این طرف‌داری، حتی پس از عیان‌شدن اختلاف شدید بنی‌صدر با تفکر امام و آرمان‌های نظام جمهوری

اسلامی، از سوی سیدحسین خمینی ادامه یافت. تا

جایی که امام به ماجرا ورود کرده و او را از فعالیت سیاسی برحذر داشتند؛ ایشان در نامه‌ای به تاریخ ۲۴ردیبهشت ۱۳۶۰ش، به نوه خویش هشدار داده‌اند: «پسرم- حسین خمینی! جوانی برای همه خطرهایی دارد، که پس از گذشت ایام انسان متوجه می‌شود. من میل دارم کسانی که به من مربوط هستند، در این کوران‌های سیاسی وارد نشوند. من کم‌در دارم که شما با مجاهدت در تحصیل علوم اسلامی، با تعهد به اخلاق اسلامی و مهار کردن نفس‌اماره بساوسه، برای آتیه مورد‌استفاده واقع شوی. من علاوه بر نصیحت پدری پیر، به شما امر شرعی می‌کنم که در این بازی‌های سیاسی وارد نشوی و واجب شرعی است که از این برخورد‌ها احتراز کنی. من به شما امر می‌کنم که به حوزه علمیه قم برگرد و با کوشش، به تحصیل علوم اسلامی-انسانی بپرداز. از خداوند تعالی توفیق شما و همه محصلین راخواستارم». (صحیفه امام، جلد ۱، ص ۳۴۵)

**دوستان خود را از اشخاص متعدّد و متوجه به معنویات انتخاب کن**

از میان نامه‌های اخلاقی– عرفانی که امام به فرزندان‌ش نوشته‌اند، نامه‌ای که در تاریخ چهارشنبه ۱۸دیبهشت ۱۳۶۱ش، خطاب به مرحوم حاج سیداحمد خمینی نوشته شده، بسیار درس آموز و قابل توجه است. امام در این نامه، به فرزندان‌ش توصیه می‌کنند:

«فرزندم! با قرآن این بزرگ کتاب معرفت آشنا شو، اگرچه باقرآنت آن وره‌ای از آن به‌سوی محبوب‌باز کن و تصور نکن که قرآنت بدون معرفت، اثری ندارد که این



سیدحسین خمینی، نوادگان خمینی (ره) ۱۳۵۸

**در نخستین دوره از انتخابات ریاست‌جمهوری اسلامی، برخی از افراد خانواده امام خمینی(ره)، در زمره حامیان ابوالحسن بنی‌صدر بودند، از جمله سیدحسین خمینی، فرزند شهید سیدمصطفی خمینی. متأسفانه این طرف‌داری، حتی بعد از عیان شدن اختلاف شدید بنی‌صدر با تفکر امام و آرمان‌های نظام جمهوری اسلامی، از سوی سیدحسین ادامه یافت تا جایی که امام به ماجرا ورود کرده و او را از فعالیت سیاسی برحذر داشتند!**

سه‌شنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۱  
شماره ۸۵۰۹

تاریخ انقلاب

### انقلاب اسلامی در ایلام



کتاب «انقلاب اسلامی در ایلام» نوشته سیدمحمد طاهری مقدم را مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر کرده است. نخستین اقدامات مردم ایلام در همراهی با نهضت اسلامی در اوایل دهه ۱۳۴۰ و پس از قیام خونین ۱۵ خرداد و سپس تبعید امام‌خمینی(ره) شکل گرفت.

۱۳۴۳ با تلاش‌های علما و فقهای برجسته این منطقه، مردم ایلام با اندیشه‌های امام(ره) و رسالت ایشان در مبارزه با رژیم شاهنشاهی آشنا شدند. تبعید امام(ره) به عراق و سکونت ایشان در نجف اشرف و نزدیکی و ارتباط آن شهر با ایلام عاملی بود که مردم ایلام را با انقلاب و امام(ره) مانوس تر کرد. لذا ساواک کار وژه‌ای را برای کنترل منطقه و رصد نواحی مرزی طراحی کرد. با آغاز همه ۱۳۵۰انقلاب اسلامی در ایلام با رهبری علما و روحانیون وارد مرحله جدیدی شد و با فعالیت علمایی چون آیت‌الله محمدتقی موراوید، حجج اسلام جهانبخش(محمد) تعمیر کاری، عبدالرحمان حیدری، عباس سلطانی شم‌آبادی و محمدتقی لطفی و افزایش آگاهی مردم، تعداد بیشتری از مردم به جریان انقلاب پیوستند. با اوج‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶، به‌واسطه شدت مبارزات مردم ایلام علیه رژیم در ماه‌های پایانی حکومت پهلوی، ساواک و نیروهای نظامی توان مقابله با مردم را نداشتند و بارها از مرکز و استان‌های همجوار درخواست نیروی کمکی کردند. ناتوانی نیروهای رژیم باعث شد بسیاری از افراد مرتبط با ساواک و شهربانی قبل از پیروزی نهایی انقلاب اسلامی از ایلام فرار کنند و انقلاب اسلامی در ایلام عملاً قبل از سایر نقاط کشور به پیروزی رسید. این کتاب ۲۷۲صفحه‌ای به بهای ۱۱۰هزار تومان منتشر شده است.

تاریخ انقلاب

### انقلاب اسلامی در شیراز



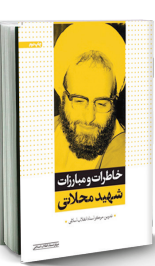
کتاب «انقلاب اسلامی در شیراز» نوشته منصور نصیری طیبی را مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر کرده است. پرداختن به تاریخ منطقه‌ای انقلاب اسلامی با نگاهی ژرف، بازتاب

فعالیت و تلاش‌های

اسلامی و انقلابی مردم منطقه خاصی از کشور است. تاریخ منطقه‌ای بخش جدایی‌ناپذیر از تاریخ‌نگاری کلان انقلاب اسلامی به‌حساب می‌آید که تدوین آن یکی از اولویت‌های مرکز اسناد انقلاب اسلامی است. در این راستا برای ثبت و ضبط رشادت‌ها، مبارزات و مجاهدت‌های بی‌امان مردم مسلمان و انقلابی خطه شیراز از تکوین انقلاب اسلامی، کتاب حاضر تألیف و منتشر شده است. شیراز از جمله شهرهای ایران است که مردم و سیاستمداران از شروع نهضت اسلامی حضرت امام(ره) تا به نمر رسیدن آن به رهبری عالمان متعهد و مبارز دینی از جمله مرحوم آیت‌الله محلاتی و شهید دستغیب به ایفای نقش پرداخته و در طول تاریخ همواره در صف نخستین مبارزه علیه استبداد و استعمار در کنار روحانیت بوده‌اند که همراهی آنها با «واقع‌رزی»، یکی از این نمونه‌هاست. مرکز اسناد انقلاب اسلامی کتاب «انقلاب اسلامی در شیراز» را در هزار و ۲۰۴صفحه به بهای ۴۵هزار تومان منتشر کرده است.

تاریخ شفاهی

### خاطرات و مبارزات شهید محلاتی



کتاب «خاطرات و مبارزات شهید محلاتی» با تدوین و به همت مرکز اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است. همسر نام و یاد شهید محلاتی در تاریخ انقلاب اسلامی و ۸سال دفاع مقدس ماندگار و آشناست اما سابقه فعالیت‌های وی چندان شناخته شده نیست. این کتاب

در بخش نخست به دوران کودکی و آغاز تحصیل ایشان در محلات می‌پردازد و سپس ورود وی به قم و آشنایی با فداپایان اسلام تا عزیمت وی به تهران را شرح می‌دهد. پس از آن به حضور جدی و نقش فعال ایشان در نهضت امام‌خمینی(ره) تا انقلاب اسلامی و دوره پیروزی انقلاب اسلامی تا زمان گفت و شنود (سال ۱۳۵۷) با وی اشاره می‌کند. بخش دوم کتاب شامل گفت‌وگوهای شهید محلاتی است که وی ضمن آن به ذکر نکته‌ها و خاطرات نور و نزدیک خود می‌پردازد. در پایان، گاهشمار زندگی او، نمونه‌هایی از اسناد وزارت جنگ، ساواک و شهربانی از فعالیت‌های مبارزاتی شهید محلاتی و تصاویر مختلف وی آمده است.

شهید محلاتی بعد از انقلاب نخستین سرپرست حجاج ایرانی، نخستین دبیر جامعه روحانیت مبارز، نماینده مردم محلات در نخستین دوره مجلس شورای اسلامی و نماینده بنیانگذار جمهوری اسلامی در سیاه پاسداران انقلاب اسلامی را بر عهده داشت. وی در ابتدای پیروزی انقلاب، سرپرستی صندوق تعاون اصناف را هم عهده‌دار بود. او در نخستین دوره انتخابات مجلس به مجلس راه یافت.

این کتاب ۳۸۵صفحه‌ای به بهای ۹۰هزار تومان منتشر شده است.